

پرسش ۱۴: سخن خداوند متعال: «و اذ قال موسى لقومه.... التواب الرحيم»

السؤال/ ۱۴: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)([16]).

إلى سماحة السيد أحمد الحسن وصي ورسول الأمام المهدي، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بسم الله الرحمن الرحيم: (و آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما به آن سبب که گوساله را پرستیدید، بر خود ستم روا داشتید. اینک به درگاه آفریدگارتان توبه کنید و یکدیگر را بکشید، که چنین کاری نزد آفریدگارتان ستوده تر است. پس خدا توبه‌ی شما را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است)([17]).

به جناب سید احمد الحسن، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع)، سلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

أنا مواطن مسلم شيعي سمعت بدعوتك وأعطيتها من وقتي الكثير، لا لأنني مؤمن بها أو بك، ولكن عسى ولعل الله سبحانه أن يكون لقائي بالإمام المهدي على يدك، فأنا يا سيدي ملئت عبادة الأصنام البشرية ممن يسمون أنفسهم المراجع العظام، وهم فعلاً (عظام ورميم)، ولشدّ لهفي لما سمعت من بياناتك وأنت تسقط تلك الوثنية الجاثمة على صدر الأمة، أمة محمد (ع)، فالذي أرجوه منك بحق جدك إن كنت من ذرية الرسول، أن تدعوا لي بأن أتشرف ولو في الحلم بروية الإمام المهدي، الذي أصبح شبه خيال أطارده ولا ألقاه. أنا يا سيدي حزين وحزين وحزين لبعده عنا، أو قل كما تشاء بعدي عنه، لا يهمني أي شيء سوى لقائي به، أريد أن أكون إنساناً بالمعنى الذي يريده الله ورسوله، أسف سيدي لأخذي من وقتك الكثير ولكن أراك بارقة أمل من مكان بعيد، وشكراً. والسلام عليكم ... أخوك في الله .. أبو مريم

من یک شهروند مسلمان شیعه هستم که دعوتتان را شنیدم و وقت زیادی صرف دعوت شما کردم؛ نه از این رو که به دعوت شما یا به خود شما ایمان دارم بلکه از این جهت که شاید خداوند سبحان دیدارم با امام زمان را به دست شما مقرر فرماید. ای سرورم، من از عبادت بت‌های انسانی یعنی کسانی که خودشان را مراجع عظام می‌نامند در حالی که استخوان‌های پوسیده‌ای بیش نیستند، خسته شدم و چقدر خوشحال شدم وقتی بیانات شما را شنیدم و اینکه شما آن بت‌هایی را که بر صدر امت یعنی امت محمد(ص) تکیه زده‌اند را از بین خواهید برد. چیزی که من از شما می‌خواهم این است که اگر شما از ذریه‌ی رسول اکرم(ص) هستید به حق جدّت مرا به دیدار امام زمان(ع) دعا کنید؛ حتی اگر در خواب نایل شوم. سرورم، من به خاطر دروی ایشان از ما، یا بهتر بگوییم به خاطر دوری‌ام از ایشان بسیار ناراحت و نگرانم و هیچ چیز جز دیدارم با ایشان(ع) برایم مهم نیست. می‌خواهم کسی باشم که مورد پسند خداوند و رسول خدا(ص) می‌باشد. از اینکه وقتتان را گرفتم بسیار متأسفم ولی من شما را نور امیدی می‌بینم که از دور می‌درخشد، با سپاس. سلام بر شما.... برادر دینی شما.... ابو مریم.

ملاحظة: إذا كان هناك جواب فلا أريده من. الأنصار إلا من. السيد شخصياً ولا اعتقده يتعالى عن الرد؛ لأن رسالتي موجهة إليه.

أبو مریم - ۲۳ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

توجه: اگر قرار است جوابی به این نامه داده شود می‌خواهم که خود سید احمد الحسن جواب دهد نه انصار وی؛ و تصور نمی‌کنم از پاسخ دادن به آن صرف نظر کنند زیرا این نامه متوجه خود ایشان می‌باشد.

أبو مریم - ۲۳ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

الأخ أبو مريم .. أنا وأعوذ بالله من الأنا العبد الفقير المسكين المستكين بين يدي ربه.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

برادر، ابو مريم.... من و پناه می برم به خدا از منیت، بنده ی فقیر مسکینِ درمانده در پیشگاه پروردگارش، به خداوند پناه می برم.

أدعوك وكل من يطلب الحقيقة لتحمل فأساً كما حمله إبراهيم (ع)، وتحطم كل الأصنام التي تعبد من دون الله، بما فيها الصنم الموجود بين جنبيك وهو الأنا.

شما و همه ی کسانی که در جست و جوی حق هستند را دعوت می کنم به اینکه مثل ابراهیم (ع) تبری بردارند و همه ی بت های را که به جای خداوند پرستیده می شوند، نابود کنند؛ از جمله بتی که در بین دو پهلوی شما قرار دارد که همان منیت می باشد.

وأكثر من ذكر الله، واعلم أنك مهما أكثرت لن تعدو الغافلين حتى توالي ولي الله وتكون من الساجدين.

بسیار خداوند را یاد کنید و بدان، هر قدر خداوند را یاد کنید باز هم از غافلین می باشی تا ولیّ خدا را پیروی کنی و از سجده کننده ها باشی.

وأقل العرجة على الدنيا، واعلم أنك مهما زهدت فيها حريص حتى تقتحم العقبة، وتفك رقبتك من نار الدنيا والآخرة.

میل به دنیا را کم کن و بدان که هر قدر زهد پیشه کنی باز هم طمعی به دنیا هست تا اینکه از آن گردنه عبور کنی و خود را از آتش دنیا و آخرت، رهایی بخشی.

عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: (قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُهُ: (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ)، فَقَالَ: مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بَوْلَايَتِنَا فَقَدْ جَازَ الْعَقَبَةَ وَنَحْنُ تِلْكَ الْعَقَبَةُ الَّتِي مَنِ اقْتَحَمَهَا نَجَا، قَالَ: فَسَكَتَ، فَقَالَ لِي: فَهَلَا أُفِيدُكَ حَرْفًا خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: قَوْلُهُ: (فَكُ رَقَبَةً)، ثُمَّ قَالَ: النَّاسُ كُلُّهُمْ عِبِيدُ النَّارِ غَيْرِكَ وَأَصْحَابِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فَكُ رِقَابِكُمْ مِنَ النَّارِ بَوْلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ) ([18]). وَقَالَ عِيسَى (ع): طُوبَى لِمَنْ لَا يَعْثُرُ بِي.

ابان بن تغلب می گوید: به ابو عبد الله (ع) عرض کردم: فدایتان شوم، معنای آیه ی: (و از آن گردنه عبور نکرد) چیست؟ ایشان (ع) فرمودند: «کسی که خداوند او را به ولایت ما گرامی بدارد از این گردنه عبور می کند. ما همان گردنه ای هستیم که هر کس بتواند از آن بگذرد نجات یافته است». ابان می گوید: سکوت کرد و بعد به من فرمود: «آیا سخنی را به تو بیاموزم که از دنیا و هر آنچه در آن است برایتان ارزشمندتر و بهتر است؟». گفتم: بله فدایتان کردم. ایشان (ع) فرمودند: «خداوند فرموده است: (آزاد کردن بنده ای)» سپس فرمود: «همه ی مردم برده و بنده ی آتش اند غیر از تو و یارانت؛ چرا که خداوند شما را به خاطر ولایت ما اهل بیت (ع) از آتش جهنم رها ساخته است» ([19]) و عیسی (ع) فرمود: «خوش به حال کسی که علیه من برنمی خیزد».

انحر نفسك بين يدي ربك لتفوز اليوم وغداً بكأس لن تظماً بعده أبداً، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ)، وعن الإمام الرضا (ع) قال: (سمعت أبي موسى بن جعفر، يقول: سمعت أبي جعفر بن محمد، يقول: سمعت أبي محمد بن علي يقول: سمعت أبي علي بن الحسين، يقول: سمعت أبي الحسين بن علي، يقول: سمعت أبي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع)، يقول: سمعت النبي (ص) يقول: سمعت الله عز وجل، يقول: لا إله إلا

الله حصني، فمن دخل حصني أمن من عذابي، قال: فلما مرّت الراحلة نادانا: بشروطها، وأنا من شروطها) [20].

والحق أقول لكم: وأنا من شروطها.

خودت را در پیشگاه پروردگارت قربانی کن تا امروز و فردا به جامی بررسی که پس از نوشیدن آن، دیگر هرگز تشنه نخواهی شد. بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: (ما کوثر را به تو عطا کردیم * پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن * که بدخواه تو، خود، ابتر است). امام رضا(ع) فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که فرمود: از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که فرمود: از پدرم محمد بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن حسین شنیدم که فرمود: از پدرم حسین بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن ابی طالب(ع) شنیدم که فرمود: شنیدم رسول خدا(ص) فرمود: شنیدم خداوند عزوجل می فرماید: لا اله الا الله دژ و قلعه‌ی استوار من است، هر کس وارد این قلعه شود از عذاب من در امان خواهد بود». هنگامی که شتر به راه افتاد، امام رضا(ع) به ما فرمود: «با شرایطی، و من از شرایط آن هستم».

و حق را به شما می گویم: و من از شرایط آن هستم.

أتيتكم باسم الإمام المهدي (ع)، ولم أطلب مشيئتي بل مشيئة الذي أرسلني ..
فمن لا يقبلني لا يقبل أبي الذي أرسلني. والحق أنّ من لا يكرم الابن لا يكرم الأب
الذي أرسله.

به نام امام مهدی(ع) به سوی شما آمده‌ام و خواهان اراده و خواست خود نیستم بلکه خواهان اراده و خواست کسی هستم که مرا فرستاده است.... پس کسی که مرا قبول نکند، پدری که مرا فرستاده را قبول نکرده است، و حقیقت این است: کسی که پسر را اکرام نکند پدری که او را فرستاده اکرام نکرده است.

لن أشكوكم إلى الله، بل سيشكوكم جدّي رسول الله (ص)؛ لأنه وصّي بي وذكر اسمي ونسبي وصفتي.

از شما به خداوند شکایت نخواهم کرد بلکه جدّم رسول خدا(ص) از شما شکایت خواهد کرد؛ چرا که او مرا در وصیّت خود ذکر کرده است و اسم و نسب و ویژگی هایم را بیان فرموده است.

وسيشكوكم آبائي الأئمة(ع)؛ لأنهم ذكروني باسمي ونسبي وصفتي وسكني.

پدرانم ائمه(ع) از شما شکایت خواهند کرد چون آنها مرا به اسم، نسب، خصوصیات و محل سکونتّم ذکر کرده اند.

وستشكوكم دماء الحسين (ع) التي سالت في كربلاء لله؛ ولأجل أبي (ع) ولأجلي.

خون امام حسین(ع) که در کربلا که به خاطر خداوند و برای پدرم(ع) و به خاطر من جاری شد، از شما شکایت خواهد کرد.

وسيشكوكم إشعيا وارميا ودانيال ويوحنا البربري؛ لأنهم بيّتوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، كل هذا وتخذلونني؟

و اشعیا، ارمیا، دانیال و یوحنا بربری(ع) از شما شکایت خواهند کرد؛ چرا که آنها موضوع مرا از سال های طولانی پیش از این، برای اهل زمین روشن کرده اند. با همه ی اینها باز شما مرا تنها می گذارید؟!

أريد حياتكم ونجاتكم فأعينوني على أنفسكم، طوبى لمن ينحر نفسه بين يدي ربّه، طوبى لمن لا يعثر بي، طوبى للغرباء المجائين عند أهل الأرض، العقلاء عند أهل السماء.

من خواهان زندگی و نجات شما هستم، پس به خاطر خودتان مرا یاری کنید. خوش به حال کسی که خود را قربانی پروردگارش کند و خوش به حال کسی که علیه من برنخیزد و خوش به حال غریب‌های دیوانه از دید اهل زمین، که در پیشگاه اهل آسمان، عاقلان‌اند.

إذا كنت تريد رؤية الإمام المهدي (ع)، فادعوا بهذا الدعاء أربعين ليلة بعد منتصف الليل:

اگر می‌خواهی امام زمان (ع) را رؤیت کنی، چهل شب بعد از نیمه شب این دعا را بخوان:

بسم الله الرحمن الرحيم

(اللهم أنت دليل المتحيرين، ومفرج المكروبين، وغيث المستغيثين، مالي إله غيرك فادعوه، ولا شريك لك فأرجوه، صل على محمد وآل محمد واجعل لي من أمري فرجاً، واهدني لأقرب من هذا رشداً، قرعت بابك، وأنخت رحلي بساحة قدسك وجنابك، طالباً شهادتك، وأنا العبد الخسيس الذليل وأنت الرب العزيز الجليل، بين لي أمر أحمد الحسن بأوضح بيان، وأفصح لسان، فإن كان وليك، صدقته وبايعته ونصرته، وإن كان عدوك، كذبتة وحاربتة، يا من أوحى للحواريين وشهد لهم بأن عيسى (ع) رسوله (وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ) [21])،

به نام خداوند بخشاینده‌ی بخشایش‌گر

خداوندا! تویی راهنمای سرگشتگان و پناهگاه دردمندان و یاری‌گر یاری‌طلبان، جز تو خدایی ندارم که بخوانمش و هیچ شریکی نداری که چشم امید به او داشته باشم، بر محمد و آل محمد درود فرست و گشایشی برای مشکل من فراهم فرما و مرا به نزدیک‌ترین راه رشد هدایت فرما، درب سرای تو را کوبیدم و بارم را مقابل ساحت مقدس تو و در جنب تو بر زمین گذاشتم در حالی که خواهان گواهی و شهادت تو

می‌باشم. من بنده‌ی خوارِ ذلیل هستم و تو پروردگارِ عزیزِ بزرگوار. مسأله‌ی احمد الحسن را برای من با واضح‌ترین بیان و گویاترین زبان، روشن فرما؛ که اگر از اولیای تو باشد او را تصدیق و با او بیعت و او را یاری می‌کنم ولی اگر دشمن تو باشد او را تکذیب می‌کنم و با او می‌جنگم. ای کسی که به حواریون وحی فرمود و برای آنها گواهی داد که عیسی (ع) فرستاده‌اش است: «و به حواریون وحی کردم: به من و به پیامبر من ایمان بیاورید. گفتند: ایمان آوردیم، گواه باش که ما تسلیم شدگانیم» ([22])،

اشهد لي وبين لي هذا الأمر، فقد شهد شعري وبشري ولحمي ودمي وعظمي، وما أقلت الأرض مني وروحي، إن شهادتك أكبر شهادة (قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ) ([23])، یا من عرض نفسه للكافرين برسالة محمد (ص) شاهداً، فقال: (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ) ([24])، (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ) ([25])، (قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا) ([26])،

برای من هم گواهی ده و این مسأله را برایم روشن فرما، پوست و مو و گوشت و خون و استخوانم و هر چه از روح و جسم من در زمین هست، شهادت می‌دهد که گواهی تو بزرگ‌ترین گواهی است: «بگو: شهادت چه کسی از هر شهادتی بزرگ‌تر است؟ بگو: خدا میان من و شما شهادت می‌دهد» ([27])، ای کسی که خودش را برای کافرین برای رسالت محمد (ص) شاهد قرار داد و فرمود: «و کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی. بگو: خدا برای شهادت میان من و شما کافی است» ([28])، «یا می‌گویند: این کتاب، دروغی است که خود بافته است. بگو: اگر من آن را چون دروغی به هم بافته باشم، شما نمی‌توانید خشم خدا را از من باز دارید. خدا از آن طعن‌ها که به آن می‌زنید آگاه‌تر است و شهادت او میان من و شما کافی است و او است آمرزنده‌ی مهربان» ([29])، «بگو شهادت خدا میان من و شما کافی است؛ زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است» ([30])

فزهدوا بشهادتك، اشهد لي يا رب فإني لا أزهّد بشهادتك، وأشهد أنّ الرؤيا حق من عندك، وطلّاع وحيك، وكلماتك التي تفضلت بها على العالمين، يا من مدح إبراهيم وجعل النبوة في ذريته؛ لأنّه صدّق الرؤيا، فقلت سبحانك: (وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمَ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَدَّلَكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ) ([31])، ومدحت مريم، فقلت: (وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا) ([32])، يا من خاطب محمداً (ص)، فقال: (نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ * إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ) ([33])،

آنها گواهی تو را نادیده گرفتند. پروردگارا، به من گواهی ده که من گواه و شهادت تو را نادیده نمی‌گیرم و گواهی می‌دهم که رؤیا، واقعیت و حقی است از جانب تو و نشانه‌های وحیت و کلماتی است که بر جهانیان تفضّل فرمودی. ای کسی که ابراهیم (ع) را مدح کردی و پیامبری را در نسل ایشان قرار دادی؛ چرا که ایشان رؤیا را تصدیق نمود و تو خدای سبحان فرمودی: « ما ندایش دادیم: ای ابراهیم * رؤیا را تصدیق کردی و ما این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم » ([34])، و مریم را مدح کردی و فرمودی: « و مریم دختر عمران را که شرمگاه خویش را از زنا نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم و او کلمات پروردگارش را تصدیق کرد » ([35])، ای کسی که محمداً (ص) را خطاب قرار دادی و فرمودی: « با این قرآن که به تو وحی کرده‌ایم، بهترین داستان را برایت حکایت می‌کنیم، که تو پیش از این از بی‌خبران بودی * آنگاه که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، دیدم که سجده‌ام می‌کنند » ([36])،

فسمیت الرؤیا أحسن القصص في كتابك الكريم، ومدحت من صدّق بها من أوليائك وأنبيائك ورسلك، وذممت من كذب بها وسماها أضغاث أحلام، فقلت وقولك الحق: (اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ * مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مَنْ رَبَّهُمْ مُحَدَّثِ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ * لَاهِيَةً فُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ * قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ» ([37])،

پس رؤیا را در کتاب گران قدرت بهترین حکایت نامیدی و هر کس از اولیایت و پیامبران و فرستادگانت که رؤیا را باور و تصدیق کرد، مدح فرمودی و کسانی که آن را تکذیب کردند و آن را خواب و خیالی پریشان و بی اساس نامیدند، سرزنش نمودی و در حالی که سخن تو حق است، فرمودی: «روز حساب مردم نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت روی گردانند * از سوی پروردگارشان برایشان هیچ اندرز تازه‌ای نیامد، جز آنکه آن را شنیدند و سرگرم بازیچه بودند * دل‌های‌شان به لَهوِ خو گرفته است و آن ستمگران سر در گوش یکدیگر نهادند و گفتند: آیا این مرد جز این است که انسانی همانند شما است؟ آیا با آنکه به چشم خود می‌بینید، همچنان از پی جادو می‌روید؟ * گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است و او شنوا و دانا است * گفتند: نه، خواب‌های پریشان است، یا دروغی است که به هم می‌بافد یا شاعری است؛ پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود، معجزه‌ای بیاورد» ([38])،

وقال ملأ فرعون وزبانيته: (أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ) ([39])، وصدق يوسف بالرؤيا وأولها فمدحته، وقلت سبحانك: (يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ) ([40])، اللهم اجعني كأوليائك وأنبياك ورسلك، أصدق بالرؤيا، طلاع وحيك وكلماتك، التي تفضلت بها على العالمين، وأحسن القصص في كتابك، ولا أنقض عهدك ولا أخلف وعده.

و فرعون و یاران‌ش گفتند: «اینها خواب‌های آشفته است و ما را به تعبیر این خواب‌ها، آگاهی نیست». یوسف رؤیا را تصدیق و آن را تأویل نمود و تو ای خدای سبحان او را ستودی و فرمودی: «ای یوسف، ای مرد راست‌گوی» ([41])، خداوندا! مرا همانند اولیایت و پیامبران و فرستادگانت قرار ده تا رؤیا که شعاعی از وحیت و کلماتی

است کہ بر جہانیاں تفضّل فرمودی و آن را بہترین حکایت در کتابت قرار دادی، باور
کنم و عہد و پیمانہ را با تو نشکنم و وعدہات را فراموش نکنم.

ثم تقول: (أغثني يا رب بحق فاطمة، ارحمني يا رب بحق فاطمة، اهدني يا رب
بحق فاطمة).

أحمد الحسن

سپس می گویی: پروردگارا! به حق حضرت فاطمه (ع) یاریم کن، پروردگارا! به حق
حضرت فاطمه (ع) به من رحم کن، پروردگارا! به حق حضرت فاطمه (ع) مرا هدایت
فرما!

احمد الحسن



[16] - البقرة: 54.

[17] - بقره: 54.

[18] - الكافي: ج 1 ص 430، بحار الأنوار: ج 24 ص 285.

[19] - كافي: ج 1 ص 430 ؛ بحار الانوار: ج 24 ص 285.

[20] - عيون أخبار الرضا (ع): ص 145، بحار الأنوار: ج 3 ص 7.

[21] - المائدة: 111.

[22] - مائده: 111.

[23] - الأنعام: 19.

[24] - الرعد: 43.

[25] - الأحقاف: 8.

[26] - الإسراء: 96.

[27] - انعام: 19.

[28] - رعد: 43.

[29] - إحقاف: 8.

[30] - إسرائ: 96.

[31] - الصافات: 104 - 105.

[32] - التحريم: 12.

[33] - يوسف: 3 - 4.

[34] - صافات: 104 و 105.

[35] - تحريم: 12.

[36] - يوسف: 3 و 4.

[37] - الأنبياء: 1 - 5.

[38] - يوسف: 44.

[39] - يوسف: 44.

[40] - يوسف: 46.

[41] - يوسف: 46.